

قصیده تتماج احمد بن منوچهر شصت کله در جنگ ملاصدرا

مهرداد چترایی*

درآمد:

در شماره ۴۲ و ۴۳ نشریه گزارش میراث مقاله‌ای با عنوان «سروده‌هایی نویافته در جنگ ملاصدرا» از این جانب منتشر شد که ضمن معرفی جنگ مذکور شعری را که در آن مجموعه به نام منوچهری ثبت شده — و در دیوان مصحح منوچهری نیست — از جنگ ملاصدرا نقل کردم. شعر مذکور قصیده‌ای است در ۳۶ بیت با این مطلع:

چون رایت صبح شد درخشان
شد خیل ستارگان پریشان

چون نگارنده، آن قصیده را در دیوان منوچهری تصحیح دکتر دبیر سیاقی، و نیز دیوان منوچهری به کوشش برات زنجانی، نیافت و انتساب آن به منوچهری دامغانی را مسجل نمی‌دانست، در جنگ‌ها و تذکره‌ها و منابع شعری دیگر جست‌وجو می‌کرد تا بلکه نشانی از آن قصیده و شاعرش بیابد. خوشبختانه آگاهی‌های دقیق‌تری راجع به آن قصیده به دست آمد که چون در هنگام تهیه مقاله معرفی جنگ ملاصدرا بدانها توجه نکرده بودم، در این نوشتار و به جهت تکمیل آن مقاله ارائه می‌شود.

قصیده مذکور که در صفحه ۱۹۸ نسخه خطی جنگ ملاصدرا به اشتباه به نام منوچهری آمده، در اصل صورتی ناقص از قصیده معروف «تتماجیه» است که نخستین بار ملک الشعرای بهار آن را ضمن شرح «احوال شمس‌الدین احمد بن منوچهر شصت کله» تصحیح و منتشر کرده است. (مجله مهر، سال ششم، ۱۳۱۷، شماره ۵، صص ۳۴۷-۳۵۲).

مرحوم بهار ضمن نقل حکایتی از راحه‌الصدور راوندی به معرفی دقیق‌تر احمد بن منوچهر که مطابق متن راحه‌الصدور

به امیرالشعرا و و سفیر الکبرا و مشهور به «شصت کله» پرداخته و چون مؤلف راحه‌الصدور، او را شاعر قصیده تتماج دانسته، بهار آن قصیده را از جنگی که متعلق به وی بوده — و به قول ملک الشعرای بهار آن جنگ بعد از سعدی و قبل از حافظ تألیف شده — و با مقابله آن با دیوان خطی خاقانی خویش که آن قصیده در آن دیوان نیز به اشتباه به نام خاقانی ثبت شده، تصحیح کرده و شرح مختصری هم درباره «تتماج» نوشته است.

در همان شماره مجله مهر و بلافاصله پس از مقاله بهار، نامه‌ای هم از دکتر ذبیح‌الله صفا — که ظاهراً مقاله بهار را پیش از انتشار در دفتر مجله دیده بوده است — چاپ شده که ضمن تأیید نظر بهار، ابیاتی را که از همان قصیده در نسخه‌ای دیگر دیده برای تکمیل قصیده تتماجیه احمد بن منوچهر شصت کله نقل کرده است (همان، ص ۳۵۳).

پژوهش نسبتاً مفصل دیگری که درباره «احمد بن منوچهر شصت کله»، پس از مقاله بهار صورت گرفته، مقاله علامه محمد قزوینی است که در مجله یادگار (شماره ۲، ۱۳۲۳، صص ۵۲-۷۰) منتشر شد. علامه قزوینی با ارائه دلائلی اشتباه دولتشاه سمرقندی را در باب انتساب لقب شصت کله به منوچهری دامغانی متذکر شده و علاوه بر آن درباره قصیده مذکور نوشته است:

عین این قصیده در وصف تتماج که شاعر استاد، آقای ملک‌الشعرا بهار آن را از روی دو نسخه خطی خودشان در شماره ۵ از سال ششم مجله مهر سابقاً نشر کرده‌اند، در نسخه خطی بسیار مصحح مضبوط دیگری نیز موجود است و آن عبارت است از کتاب مونس الاحرار فی دقایق الاشعار تألیف محمد بن بدر جاجرمی... جز در دو فقره مهم

* دکترای زبان و ادبیات فارسی. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.



که گویا در دو نسخه آقای بهار این دو فقره را نداشته که ایشان نشر نکرده‌اند؛ یکی عنوان قصیده مزبور است که در نسخه مونس الاحرار به خط واضح جلی چنین مسطور است: «در مدح فخرالدین شاه منوچهری فرماید رحمة الله علیه و وصف الاخشه» و دیگری عبارت است از دو بیت... که آخرین ابیات این قصیده است...» (همان، ص ۵۶).

علامه قزوینی با ذکر شواهد و مثال‌های متعدد در فارسی و عربی، موضوع تخلص‌ها یا نسبت‌های مشترک را که باعث خلط افراد شده، مطرح کرده و نوشته:

ظاهراً منشأ شهرت این منوچهری صاحب ترجمه یعنی شمس‌الدین احمد بن منوچهر شصت‌کله به عنوان مذکور (یعنی منوچهری که در مونس الاحرار آمده) همانا انتساب به نام پدر یا جدّ خود بوده...»

بر اساس تحقیق علامه قزوینی، ذکر احمد بن منوچهر شصت‌کله در منابعی همچون تجارب السلف (چاپ عباس اقبال آشتیانی، ص ۳۲۸) نیز آمده است؛ مؤلف تجارب السلف بدون این‌که از لقب او یاد کند وی را همدانی دانسته و در ردیف شاعرانی همچون ظهیر فاریابی، خاقانی و اثیرالدین اخسیکتی و از جمله مداحان اتابک قزل ارسلان بن ایلدگز نام می‌برد.

همچنین ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان شرح حال کسی را به عنوان احمد بن علی بن منوچهری نقل کرده و او را شیعه هم دانسته که بنا به نظر علامه قزوینی، وی همان احمد بن منوچهر شصت‌کله است (همان، ص ۵۹).

قصیده تتماج علاوه بر منابع مذکور در نسخه خطی «جنگ شماره ۴۴ سنا» نیز آمده و عنوان آن چنین است: «فخرالدین منوچهر راست در وصف لاختشه»^۱. این عنوان بر اساس آنچه در مقاله علامه قزوینی آمده است نمی‌تواند درست باشد چرا که فخرالدین لقب ممدوح شاعر است که نام کامل وی «امیر سید فخرالدین علاءالدوله عربشاه» بوده که از طایفه سادات حسنی همدان است و خاندان او در قرن پنجم و ششم هجری در همدان صاحب نفوذ و ثروت و قدرت بوده‌اند (همان، ص ۶۰).

بنابراین ممکن است کاتب در نوشتن عنوان قصیده، لقب ممدوح را با نام شاعر در هم آمیخته باشد و بر این اساس عنوان قصیده باید «احمد بن منوچهر در مدح فخرالدین...» و یا شبیه بدان باشد.

چنان‌که گفته شد تعداد ابیات قصیده تتماج در جنگ ملاصدرا ۳۶ بیت است و در تصحیح ملک الشعرای بهار ۴۹ بیت و با ۶ بیتی که دکتر صفا افزوده ۵۵ بیت خواهد بود. در مقاله علامه قزوینی هم دو بیت دیگر بدان اضافه شده (از مونس الاحرار) که مجموع ابیات آن ۵۷ بیت می‌شود. در جنگ مزبور نیز تعداد ابیات قصیده ۵۵ بیت است.

بدین ترتیب صورت نسبتاً کامل‌تر قصیده تتماج احمد بن منوچهر شصت‌کله که در جنگ ملاصدرا و نیز مونس الاحرار به غلط به منوچهری منسوب شده، بر اساس تصحیح بهار و یادداشت دکتر صفا و جنگ شماره ۴۴ سنا، این گونه باید باشد:

چون رایت صبح شد درخشان / شد خیل ستارگان پریشان
گم کرد فلک ستام صبحش / یک قرصه زر بداد تاوان
خورشید به تیغ پرتو خویش / از چرخ فرو گسست خفتان
من خفته ز مستی شبانه / فارغ ز همه فلان و بهمان
آتشکده کرده تابخانه / بر سنت و مذهب زمستان
ناگه ز درم درآمد آن مه / مخمور چو سرو نو خرامان
بر دست نوشته آستین چست / در پای کشان ز کبر دامن
عاشق شده بر قدش صنوبر / فتنه شده بر رخس گلستان
بر چهره جمال لطف پیدا / در غمزه کمال سحر پنهان
چهره همه رغم ماه گردون / قامت همه رشک سرو و بستان
بنشست و ز هر دری سخن گفت / کرد از لب لعل گوهر افشان
فی الجمله صفت نکرد شاید / کان لب چه لب است آن چه دندان
من رفته ز گفت او فرا چاه / زان چاه که داشت در زنندان
در خدمت او نشسته مدهوش / در صورت او بماند حیران
گفتم که «ز خوردنی چه سازم / اندر خور خورد چون تو مهمان؟
در پای تو سر کشم به تحفه / در پای تو جان کنم به قربان»
گفتا که تکلفی نخواهم / هرچ آن به خمار در خوردن آن
رو گاو سپهر زود دربند / وز سنبله جمله دانه بستان
باید که چو خرد کرد خواهی / گردون بود آسیای گردان
هرچند در آسیای گردون / مه حمال است و مهر طحان
آن به که به اختیار باشد / برسخته زحل به برج میزان
وز بهر سرشتنش بیاور / از چشمه کوثر آب حیوان
یک دشنه ز ذوالفقار حیدر / یک چوبه ز تیر پور دستان

۱. لاختشه یا آش تتماج، غذایی است که از خمیر آرد گندم می‌پزند و خوراک معروف ترکان بوده است. لاختشه، لاختشه و در خراسان لخشک هم بدان می‌گویند (برهان قاطع).

